



مدح اهل بیت (ع) در دیوان بوصیری

پدیدآورده (ها) : امین مقدسی، ابوالحسن
میان رشته ای :: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران :: تابستان و پاییز
1380 - شماره 158 و 159 (علمی-پژوهشی)
از 21 تا 38
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/319856>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 15/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قواین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

مدح اهل بیت (ع) در دیوان بوصیری

اثر: دکتر ابوالحسن امین مقدسی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۲۱ تا ۳۸)

چکیده:

مدح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در دیوان شعراء جاری است. تبیین اوصاف اهل بیت (ع) با استناد به آیات و روایات، سنتی است که اکثر مدیحه سرايان بدان پرداخته‌اند. در میان شعراء بوصیری بخاطر پرده‌اش و دیگر سروده‌هایش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، جایگاهی که شاعران قرون و اعصار را به تقلید واداشته است. بوصیری در دیوان خود با اشاره به آیات قرآن و احادیث، پیامبر را نذیرمی‌بین و افصح من نطق بالضاد معرفی کرده و به حدیث شق القمر و ستون حنانه و حرکت شجر و نطق حجر اشاره می‌کند او در مدح اهل بیت (ع) از کربلا و حدیث کسائ و حدیث منزلت و سوره هل اتنی و آیه مودت یاد کرده و حضرت فاطمه را با وصف خیر النساء مدح می‌کند و پایه پای شعرای شیعی به مدح اهل بیت می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: اهل بیت، حبّ، آیات و احادیث، مدح.

مقدمه:

مدح پیامبر(ص)، از صدر اسلام رایج بوده است، حسان را شاعر النبی نام نهاده‌اند و کمتر شاعری است که در طی قرون و اعصار پس از اسلام به مدح پیامبر(ص) نپرداخته باشد، اهل بیت در کنار پیامبر(ص) با عنوان آل النبی مورد مدح شاعران بوده است، اما در تشریح عنوان اهل بیت و وصف و ویژگی‌های آنها شاعران متفاوتند. عده‌ای تحت تأثیر زمان و نزاع‌های جاری در جامعه و ترس از حاکمیت در مورد اهل بیت کوتاهی نموده‌اند و در روزگاری که ظالمان و جلادان مدح می‌شوند، محروم ماندن ابیات از مدح اهل بیت (ع) ظلم مسجلی است که شاعران یا از ترس، یا به طمع، یا به فربیض و یا علل دیگر در حق آنان روا داشته‌اند. اگر اصل "الناس علی دین ملوکهم"، را بپذیریم شاعران نیز از مردم جامعه مستثنی نیستند، علاوه بر آنکه آنها غیر از تأثیرات فرهنگی نام و نشانشان مدبون در بار حاکمان است و تاریخ مملو از حاکمیتی است که نه تنها در اداکردن حق اهل بیت ساعی نبوده‌اند، بلکه بسیاری از آنها در محو یاد و نام آنان تلاش کرده‌اند. اهل بیت در منظومات شعرای شیعه منزلتی خاص دارد، ولی در دیوان‌های شعرای اهل سنت کمتر شاعری همچون بوصری می‌توان یافت که اوصاف شاعران شیعی بر ابیات او حاکم باشد. اوصافی که در این پژوهش با عنایت به قرآن و روایات مورد کاوشن قرار گرفته است.

شرف الدین ابو عبدالله محمد بن سعید را به علت محل تولد دلاصی گفته و چون در بوصری رشد نموده بوصری و به خاطر اصل مغربیش وی را مغربی خوانده‌اند و به دلیل منسوب بودنش به قبیله صنهاج او را صنهاجی لقب داده‌اند. تاریخ میلاد وی در سال ۶۰۷ و ۶۰۸ موردن احتلاف است و شهرت اصلیش مدبون برده‌است، که به آن خواهیم پرداخت. بعضی او را از اعجوبه‌های خلقت در حوزه نظم و نثر معرفی کرده‌اند. متن شرح اشعار که توسط خود شاعر نگاشته شده است از این قدرت حکایت نمی‌کند، حتی وسعت خیال شعری او در حوزه نظم، در

مقایسه با شعرایی چون صفوی الدین و ابن نباته از برتری چندانی برخوردار نیست. اگر به فروتر بودن آن حکم نکنیم، ولی به طور قطع می‌توان گفت که از نظر تنوع و کمیت و اغراض مختلف شعری در مرتبه‌ای پایین‌تر از این دو شاعر است و صد البته در رقت و احساس و لطافت ذوق به پای شاب الظریف نمی‌رسد. اماً به یقین همهٔ این کاستیها از منزلت برده او نمی‌کاهد، منزلتی که ناشی از بنیان نهادن این سبک مدح است، مدحی که نظر بیش از ۱۱۰ شارح را به خود جلب کرده است. شاعران زیادی از قرن هفتم تا دوره معاصر همچون احمد شوقي، بروزن آن قصیده در مدح پیامبر(ص) شعر سروده‌اند.

گرچه کلمه برده یکبار در صدر اسلام به قصیده کعب اطلاق شده است، ولی برده بوصیری بیش از برده کعب احساس و عاطفه شاعران را به خود جذب کرده است. حتی خود بوصیری در معارضه با برده کعب "ذخر المعاد" را سروده، ولی این قصیده به اندازه برده‌اش شهرت نیافته است. داستان برده آنچنان شعراء و خوانندگان را تحت تأثیر قرار داده است که در بعضی ادوار برای برده قداست‌هایی قائل شده‌اند که خارج از عرف شاعری است. بعضی گفته‌اند بدون وضو خوانده نشود و عده‌ای سفارش کرده‌اند که حتماً رویه قبله بخوانند و عده‌ای آن را برای مغفرت مردگان توصیه نموده‌اند، گروهی برای شفای امراض و رفع گرفتاری و حل مشکلات استفاده کرده‌اند؛ طبیعی است که مردم عوام سریع تحت تأثیر این توصیه‌ها قرار می‌گیرند، برای اثبات این تأثیر کافی است به زمان خود مراجعه کنیم، گذشته از عرفاء و صاحبدلانی که به حق راه را یافته‌اند و با شهود طرائق می‌توانند سالکان را دریابند و گشودن اینگونه گره‌های ظاهری برای آنان کرامت محسوب نمی‌شود، چه بسیار سالوسان و ظاهر پردازانی که به این نام دنیا خود را متمتع ساخته‌اند. در مقابل آن قداستها که برده را در حد دعا و آیات بالا برده است، عده‌ای از معاصرین حتی خواب بوصیری و شفای او را نیز ناشی از خیالات و دروغبافیهای ناقلين و شارحين و مورخين و ادعای صوفيانه بوصیری می‌دانند. در

ایبات آن ادعا می‌گویند: صوفی‌ها معتقدند در خواب و بیداری پیامبر(ص) را رویت می‌کنند و بوصیری نیز جزء صوفی‌ها بوده است" و فلچ بودن او را با استشهاد به بیت زیر نفی می‌کنند: (۱)

من فعل شیخ لیس بالقوام
او هذه الاولاد جاءت كلها

در مجموع باید گفت اگر چه قداست گزارش‌های تفریطی، به هر دلیل قابل قبول نیست، ولی استناد تاریخی که در اصل ماجراهای خواب و رویت آن حضرت آمده است، انکار ماجرا را دشوار می‌کند؛ علاوه بر اینکه موضوع خواب و شفا از نظر علمی نیز در عصر ما مورد قبول دانشمندان حوزه طب و روانپژوهشی قرار گرفته است. البته حشو و زوائدی از جمله نسبت دادن مصروعی به پیامبر(ص) مورد قبول نیست و ساحت مقدس آن حضرت از این گونه نسبتها منزه است.

شخصیت بوصیری

گفته‌اند که او به شدت کم تحمل و زبانش تند و پرهجو بود و همین امر موجب شد که مردم از او بگریزند و حتی برای او آرزوی مرگ کنند. یکبار مريض شد و خبر مرگش در بین مردم شایع شد و او با اشعاری تعریض آمیز دشمنانش را تقبیح کرد. علاوه بر آن کوتاه قامتی و لاغری اش عاملی بود که مردم را به تمسخر او وامی داشت.

در تاریخ آمده است که بوصیری به علت فقر حاکم بر زندگیش از مردم بسیار متوقع بود و اگر مردم در ادای درخواست او تأخیر می‌کردند، بی ادبانه برخورد می‌کرد؛ حتی یکبار که نویسنده‌گان مسیحی در ارسال هدایا تأخیر نمودند، بوصیری پیروان شعری یهود را برتر از نصاری معروفی کرد، همچنان که یک قاطر از الاغ برتر است:

یهود ببلیس کل عید
افضل عندي من النصارى

اما تری البغل و هو بخل
فی فضله يفضل الحمارا
آنگاه که مسیحیان شنیدند، او را تهدید کردند. و او نیز بیان خود را عوض کرد.
بوصیری صوفی و شافعی مذهب و در زمان سلطان ظاهر قاضی مذهب، شافعی
بوده است. او اختلاف در مذاهب را همچون انگشتان دست تعبیر می کرد که به یک
دست منتهی می شود و اصلی واحد دارد:

فلا تبئس ان وسع الله في الهدى
ما ذاهبنا بالعلم والله واسع
سفرقت الأمراء والدين واحد
وكل الى راي من الحق راجع
فهذا اختلاف جر للحق راحته
كما اختلفت في الراحتين الا صالح (۱)

اهل بیت (ع)

با اینکه او را شافعی معرفی کرده‌اند و از خلفاء راشدین در ابیاتش به احترام یاد
می‌کند، ولی عشقش به ولایت علی و اهل بیت (ع) آنچنان شدید است که با
خواندن آن اشعار، تصویر شاعری شیعه مذهب در مقابل خواننده منعکس
می‌شود، او وقتی به معاویه قاتل امام حسن (ع) و دیگر خلفای امویان می‌رسد آنان
را وارث هند معرفی می‌کند، که شیر کینه و بغض به فرزندانش نوشانده است.

اترجون من ابناء هند مؤدة
و قد ارضعتهم در بغضتها هند
بوصیری امام علی (ع) را همتای پیامبر (ص) و وزیر او معرفی کند که اگر پرده‌ها
کنار رود یقین او افزوده نمی‌گردد: (۲)

ن فؤادي و وداء والولاء
و من الاهل تسعد الوزراء
بل هو الشمس ما عليه غطاء
وعلى صفر النبى و مَنْ دِي
و وزير ابن عمها في المعالي
لم يزده كشف الغطاء و يقينا

(دیوان بوصیری، ص ۲۳ و ۲۴)

۱- دیوان بوصیری، ص ۲۲۴

۲- لوكشف الغطاء ما ازدده يقيناً، نهج البلاغه، على (ع).
www.noormags.ir

حدیث کسae

او بارها از حدیث کسae و آیه تطهیر با ابیات زیر یاد کرده است:

و بام السبطین زوج علی و بنیها و من حوتة العباء
فليس لهم خطب و ان جَلَّ جاحد
و انتم اناس اذهب الرجس عنهم

(همان، ص ۶۱)

اهل بیت مطهرين من الرجس و هم اغنياء عن التطهير

(همان، ص ۱۰۶)

ولکم باصحاب العباءة نسبة تبعية بتناسب الاقدام

(همان، ص ۲۰۴)

آیه "انما يرید الله ليذهب عنکم الرجس اهل البيت ويظهرکم تطهیراً" (آیه ۳۳ احزاب) به آیه تطهیر معروف است و حدیث کسae نیز در کتاب کشف الغمہ تألیف علی بن عیسیٰ اربیلی آمده است.

او بار دیگراز علی (ع) اینچنان یاد می‌کند: *لذی*
صنوالنبی اخوالنبو و زیره

و ولیه فی کل خطب مؤید

کربلاe

بوصیری مصیبت کربلاe را غیر قابل نسیان می‌داند و عاشورا را چنان تصویر می‌کند که خون شهیدان در آن جاری و اشکها آن در جامد است. او حدیث "کل ارض کربلاe و کل یوم عاشورا" را بیانگر غم جانکاه خود نسبت به اهل بیت می‌داند:

الطف مصابیهما ولا کربلاe
من شهیدین لیس ینسینی

ماراعی فیهما ذمامک مرؤ
س و قدخان عهدک الرؤسا

و طفّف یوم الطف کیل دمائکم
اذا الدم جار فيه و الدمع جامد

کل یوم کربلا و عاشورا
منهم کربلا و عاشورا

(دیوان، ص ۶۰)

هل اتی

آیات "و يطعمنون الطعام على حبه مسكيناً و يتيمها و اسيراً انما نطعمكم لوجه الله لأن يريد منكم جزاء ولا شکورا" در شان علی (ع) و خانواده‌اش نازل گشته است و داستان نزول آن در کتب مختلف شیعه و سنت آمده است. این آیات در سوره انسان قرار دارد و چون سوره انسان با هل اتی شروع می‌شود، به این نام نیز معروف است. بوصیری در وصف اهل بیت به این سوره اشاره می‌کند و می‌گوید: "هل اتی" مکارم اخلاق شما اهل بیت را برای من بیان کرد. مکارم و محامدی که موجب نزول آن سوره شد:

و قد بینت لی هل اتی کم اتی بها مکارم اخلاق لكم و محمد

(همان، ص ۶۱)

يطعمون الطعام لالجزاء يسترجونه ولا لشكور

(همان، ص ۱۱۰)

مودت اهل بیت:

مودت به اهل بیت ثروتی است که هیچ سرمایه‌ای موجب بی نیازی از آن نیست:

ان المؤدة في قربى النبى غنى لا يستميل فزادي عنه تمويل

(همان، ص ۱۸۲)

بیت فوق به آیه "قل لا استلکم اجرأ آل المؤدة في القربى" (آلیه ۲۳، سوری) اشاره دارد.

قلب سليم:

روز قیامت که هیچ مال و فرزندی سود ندهد، فقط کسانی که با قلب سليم به نزد حضرت رب در آیند نجات می‌یابند. بنا به نظر بوصیری اهل بیت مصدق ائم این

آیه‌اند، در حالیکه دیگران بالباسی مندرس و قلبي نااماده به نزد خدا می‌آیند:

الا من اتى الله بقلب سليم
يوم لا ينفع مال ولا بنون

(آیه ۸۹ شعراء)

و ان من شيعته لابراهيم

تفسران در تفسیر آیه شیعیان ابراهیم را به شیعیان امام علی (ع) تعبیر کرده‌اند.

حب اهل بيت عقيدة‌ای مبتنی بر توحید:

بوصیری یکبار حب اهل بيت را عقيدة‌ای ذکر می‌کند که قواعد الهی بر آن مبتنی است باز دیگر می‌گوید اعتقاد خالی از محبت شما فاسد و تباء است:

فقل لبني الزهرا و القول قربة
بكل لسان فيهم او حصادئ

علی اسها فی الله تبّنی القواعد
هل حبكم للناس عقيدة

(دیوان، ص ۶۰)

و ان اعتقاداً خالياً من محبة علوم و حب لکم آل النبی لفساد

(همان، ص ۲۲)

امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

او حسین (ع) را به ریحانه‌های حضرت زهرا و حضرت فاطمه را با لقب خیرالنساء و علی (ع) را با عنوان امام توصیف می‌کند و می‌گوید:

ريحاناته من الزهرا فاطمة خيرالنساء و من صنو الامام على

(همان، ص ۱۸۰)

خیرالنساء لقب حضرت فاطمه (ع) است که پیامبر (ص) او را به این نام خواندند. صاحب کشف الغمه به این حدیث در جلد دوم اشاره می‌کند.

حدیث متزلت:

علی (ع) در شعر بوصیری چهره‌ای است که پیشانی برای غیر خدا بر زمین

نساییده است. او مجاهد میدان جنگ و صاحب خرد و اندیشه‌ای است که حدیث منزلت در شان او بیان شده است:

و من لم يعفر كرم الله وجهه

جَبِين لِفَيْرِ اللَّهِ مِنْهُ وَلَا خَدُ

فتى الحرب شيخ العلم والحلم والحجى

عَلَى الَّذِي جَدَ النَّبِيَّ لَهُ جَدٌ

وَمَنْ كَانَ خَيرًا لِلنَّاسِ بِفَضْلِهِ

كَهارونَ مِنْ مُوسَى وَذَلِكُمُ الْجَدُّ

(همان، ص ۶۸)

حدیث منزلت از زبان پیامبر (ص) درباره امام علی (ع) نقل شده است، در روایات آمده است که پیامبر (ص) فرمود:

اماً ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لانبئ بعدى (کشف الغمة، فی

معرفۃ الانہم، ج ۲، ص ۴۶۵) مرکز تحقیقات کاپی توڑ علوم حسینی

شعر بوصیری روایت تاریخ صدر اسلام است او داستان چشم درد حضرت

علی (ع) و شفای آن حضرت توسط پیامبر (ص) را به نظم می‌کشد و می‌گوید:

وَعَلَى لَمَّا تَفَلَّتْ بَعِينِيهِ وَكَلَّتْهَا مَعًا رَمَدًا

(دیوان، ص ۲۱)

بوصیری خود را حسان اهل بیت (ع) معرفی می‌کند و قلب خود را مملو از محبت آنها می‌داند که هیچ چیز موجب فراموشی آن نخواهد شد:

لَيْسَ يَسْلِيهُ عَنْكُمُ التَّاسِاءُ

الْبَيْتُ النَّبِيُّ اَنْ فَرِادِيٌّ

مَدْحُ لَهُ فِيْكُمْ وَ طَابُ الرَّثَاءُ

الْبَيْتُ النَّبِيُّ طَبِيمُ فَطَابَ الْأَ

عَلَيْكُمْ فَائِنِي الْخَنْسَاءُ

اَنَّا حَسَانٌ مَدْحُكْمٌ فَإِذَا نَحْتَ

(همان، ص ۲۲)

پیامبر (ص)

اگر بوصیری را شاعر پیامبر(ص) معرفی کنیم چندان گزار نگفته‌ایم مجموع اشعار او پیرامون مدح پیامبر (ص) و اهل بیت و صحابه می‌گذرد او با توجه به صوفی بودنش کلمه فقر و فقراء را بسیار بکار برده است ولی بندرت مدح افراد دیگر در دیوانش مشاهده می‌شود. او پیامبر (ص) را یکبار با برده، بار دیگر با قصیده ذخرا المعاد که در معارضه با بانت سعاد سروده شده و بارها با قصيدة المخرج و المردود على النصارى واليهود و قصيدة محمديه و قصيدة همزیه نبویه، ام القری فی مدح خیرالوری" و تقدیس الحرم من تدنیس الضرم" والقصيدة المضرية فی الصلاة على خیرالبریة" مدح نموده است.

برده:

واژه برده در شعر عربی نامی آشناست، در میان همه اشعار، برده کعب و برده بوصیری از شهرت خاصی برخوردار است.

بنا به نقل بروکلمان از سال ۱۲۳۲ تا ۱۳۶۵ شرح عربی و فارسی و ترکی بر برده بوصیری نگاشته شده است، اینها غیر از ۳۱ شرح دیگر است که آلودت بر شمرده است. علاوه بر شروح، ۳۵ تخمیس و ۱۰ تسبیع و ۱۶ تشطیر و دهها تضمین و تذییل و تتسیع حول برده سروده شده است. (تاریخ الادب العربی کارل بروکلمان، مترجم

عبدالحليم نجار جلد سوم ص ۱۰۹-۸۲)

القصيدة الهمزیه فی المدائح النبویه که نام دیگر آن ام القری فی مدح خیرالوری است، بعد از برده شهرت به سزاوی یافته است؛ این قصيدة بیش از ۱۸ شرح و ۱۳ تخمیس و تشطیر را بخود اختصاص داده است.

مقایسه بین برده کعب و بوصیری از نظر تفاوت زمان صحیح نیست؛ بوصیری برده خود را ۱۰۶ سال پس از کعب سروده است. مسلماً پدیده زمان در لطف خیال و قوت عاطفه و رقت ذوق و جذب عناصر محیط بسیار موثر است. از سوی دیگر تغییر و تحول زبان اجازه نمی‌دهد که واژگان مستعمل در شعر کعب را با

بوصیری مقایسه کنیم، حتی ذخرا المعاد بوصیری که از برده کمتر معروف است و بر وزن بانت سعاد سروده شده است مشکل موازنہ و مقایسه را به همراه دارد. آنچه که هست ما باید مفاهیم و احساس دو شاعر را در قالب زمان خود بررسی کنیم.

در حقیقت بانت سعاد که با تشیب آغاز می‌شود، از ویژگی شعر جاهلی برخوردار است کلمات سخت، همراه با بیابان خشک و وصف شتران مقاوم و معشوقه‌ای پر خلف و عده بخش اول بانت سعاد را تشکیل می‌دهد. بخش دوم شعر کعب در مدح پیامبر(ص) و بیان اضطراب خود اوست که بحق خواننده ضربان تپنده و قلب وحشت زده کعب را در اوج و فرود کلمات در می‌یابد؛ اعتذار او به حدی خاضعانه است که شنونده آن بدون اطلاع از حادثه تاریخ، می‌تواند واکنش پیامبر(ص) را پیش بینی کند:

نَبَّأَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَوْعَدَنِي
الْعَفْوَ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ مَأْمُولٌ
لَا سَخْذَنِي بِأَقْوَالِ الْوَشَاءِ وَلَمْ
أَذْنَبْ وَإِنْ كَثُرَ فِي الْأَقَاوِيلِ
وَصَفَ قَرِيشَ بِاِنْوَنْجِيَّهَاتِ جَنَّجَجُويِّيِّ وَجَوَانِمرْدِيِّ بِهِ
خَاصَّ دَادَهُ أَسْتَ:

مَا زَلَتْ اَقْطَعُ الْبَسِيَّدَاءِ مَدْرِعًا
جَنْحُ الظَّلَامِ، وَثُوبُ اللَّيلِ مَسْبُولٌ
حَتَّىٰ وَضَعَتْ يَمِينِي، لَانَازِعُهَا
فِي كَفِ ذِي نَقَمَاتِ قِيلِهِ الْقَبِيلِ

(المجانی الحدبیه فؤاد افرا� البستانی، دارالملشوی بیروت، ج ۲، ص ۱۵، ۱۹۸۶)

برده بوصیری اگرچه با کلمات لطیفتری شروع شده است، ولی با مفهومی خونین دنبال می‌شود. اگر جدایی سعاد قلب کعب را پریشان ساخته بود، یاد همسایگان ذی سلم اشک خونین را برای بوصیری به ارمغان آورده است. اما بوصیری در این حالت باقی نمی‌ماند، سریعاً نسیمی را از جانب مدینه می‌طلبد که احساس مجازیش را در حوزه عشق حقیقی رهمنون سازد. اگر عشق بازی کعب با نام سعاد و خلف و عده‌هایش عاطفه شعرش را لطیف ساخته است، ولی بوصیری در ساحت پیامبر (ص) فقط از احساس عاشقانه‌ای صحبت می‌کند که کتمانش با

وجود اشک و بیماری محال است. در واقع فلسفه کلی عشق را بیان می‌کند که اگر زندگی بدون عشق بود، هرگز ویرانه‌های خانه محبوب و تپه‌ها، از اشک سیراب نمی‌شد و با یاد درختان بان و کوه علم اشک سرازیر نمی‌شد.

لولا الهدى لم ترق دمعاعلى طلل ولا ارقت لذكر البان والعلم
بوصیری با وجودی که خود را عاشق پند ناپذیری در برابر ملامتگران می‌داند،
ولی پیش را گواه می‌گیرد تا جامعه احساس عارفانه‌اش را در بند عشق زمینی
گرفتار نسازد.

برده بوصیری یک بخش پندیات را به همراه دارد که بانت سعاد از آن خالی است - باید توجه داشت برده کعب بیانگر حالت کعب در آغاز ورود به اسلام است؛ در حالی که بوصیری در وضعیتی است که رشد زندگیش در سایه تعالیم اسلامی است - بار عاطفه و خیال این بخش از زهیدیات به تناسب مطلب کمنگ می‌گردد.
بخش سوم که در ذکر پیامبر (ص) است با این بیت آغاز می‌شود:

محمد سيد الكونين والثقلين علوم من من عرب و من عجم

او در مدح پیامبر (ص) به شعر اسفارش می‌کند که ادعای مسیحیان را وانهید و غیر از آن، هر چه می‌خواهید در مدح حضرتش سخن بگویید و خود با بیانی زیبا پیامبر (ص) را در خلق و خلق و علم و کرم از همه پیامبران بالاتر می‌داند؛ به طوری که پیامبران در درگاه او طلب کنندگان قطره‌ای از دریای وجود آن حضرتند:

فاق النبئين فى خلق و فى خلق ولم يدانوه فى علم ولا كرم
غرفاً من البحر او رشفاً من الديم وكلهم من رسول الله ملتمنس

(دیوان بوصیری، ص ۱۹۳)

علائم میلاد پیامبر (ص) همچون شکاف دیوان کسری، خاموش شدن آتشکده فارس، و خشک شدن دریاچه ساوه در برده به رشتہ نظم کشیده شده است:
ابان مولده عن طيب عنصره باطیب مبتدا منه و مختتم
كشمل اصحاب کسری غير ملائم و بات بایوان کسری و هو منصرع

والنار خامدة الانفاس من اسف
عليه و النهر ساهى العين من سدم
و ماء ساوية ان غاchest بغيرتها
و رؤدَ واردها بالغفيظ حين ظلمى

(همان، ص ۱۹۴)

داستان هجرت و اقامت در غار و وجود کبوتر و تار عنکبوت و مبارزه با کفار و معراج همه در برده بوصیری با زیبایی قابل تحسین به تصویر کشیده شده است. بعضی از این بخشها در مقایسه با ذخراالمعاد زیباتر و از تفوق شعری خاصی برخوردار است.

المخرج والم ردود على انصارى واليهود

قصيدة المخرج والم ردود على انصارى واليهود برسه محور متکی است:^(۱)

- ۱- نفى تفكير بعثت درباره الوهیت حضرت عیسی (ع).
- ۲- نفى تفكير اقالیم ثلاثة که مسیحیان به آن تکیه می کنند.
- ۳- نفى تفكير به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع).
- ۴- تعیین خبر بحث حضرت محمد (ص) و وصف منکرین او در انجیل و تورات (این مهمترین محور قصيدة المخرج والم ردود است، که کیلانی در شرح دیوان به آن نپرداخته است).

در میان همه شعرات بوصیری را می یابیم که به نفى تفكير مسیحیت و یهود در قالب شعر می پردازد. علت این امر را در دو حوزه زیر باید جستجو کرد:

- ۱- زمینه مطالعاتی بوصیری در خصوص یهود و نصاری به دوران تحصیل او باز می گردد. طبعاً هر اندیشمندی در هر حوزه ای که به تحقیق و تفحص می پردازد، در آن حوزه تخصص می یابد و آن اندیشه بیش از مطالب دیگر در زبان و قلمش ظهور می یابد، بعضی از اشعار او ناظر به این علت است.
- ۲- علت دوم را باید در حوزه زندگی اجتماعی و اقتصادی بوصیری جستجو

۱- دیوان بوصیری، کیلانی.

کرد.

گفته‌اند مسیحیان خطاهای بوصیری رادر مسئولیت حسابرسی افشا می‌کردند و او را از این بعد عصبانی می‌نمودند و او هم در رد و محکومیت آنها ابیاتی سروده است.

در مجموع می‌توان گفت که بوصیری نسبت به تورات و انجیل مسلط است و استنتاجات او مبتنی بر مطالعه مستندانه است. گرچه نشر او از قوت شعرش پرخوردار نیست.

نذریں:

بوصیری ویزگیهای قرآنی پیامبر(ص) را یک به یک به تصویر کشیده است:
انما انت نذیر مبین
انزل الله عليك الكتابا
آیه مورد استشهاد: انما انت نذیر و الله على كل شئ و كيل (آیه ۱۲ هود)
افهم العرب فعيت جوابا
بسنان عربی بیلیغ تدویر علوم اسلامی
آیه مورد استشهاد: «و هذالسان عربی مبین» (آیه ۱۰۳ نحل).

افصح من نطق بالضاد:

فارضه افصح امرئ نطق الضاء
د فقامت تغار منها الظاء
مفهوم شعر برگرفته از حدیثی منسوب به پیامبر (ص) است.

شق القمر:

البدر بادء منشقاً بـ دعوته
و دان البدر منشقا اليه
يكى از معجزات پیامبر (ص) داستان شق القمر است که بيان مفصل آن در جلد
اول كتاب كشف اللげ في معرفة الائمه آمده است.

معراج

من قاب قوسین المحل الاقرب
ولقب قوسین انتهى فمحله

(دیوان بوصیری، ص ۴۲)

من قاب قوسین او ادنی له نزل
و حق منه مثوى و تحلیل

(همان، ص ۴۶)

سری الى المسجد الاقصى و عاد به
آیه مورد اقتباس: «سبحان الذي اسرى يعبده ليلاً من المسجد الحرام الى
المسجد الاقصى الذي باركنا...» (آیه ۱ و ۲ اسراء).

ستون حنانه:

گویند پیامبر (ص) در مسجد مدینه به چوب درختی تکیه می‌داد و سخنرانی
می‌کرد و چون منبری برای آن حضرت ساختند بر منبر نشست، در این هنگام ناله‌ای
از آن چوب برخاست که حاکی از غصه فراق بود؛ پیامبر(ص) آن را نوازش کرد.
مولوی در این باره می‌گوید:

استن حنانه از هجر رسول
ناله می‌زد همچو ارباب عقول

گرنبودی چشم دل حنانه را
چون بدیدی هجر آن فرزانه را

بوصیری در این باره چنین سروده است:

والجذع حنّ له وبات كغمرم
قلق بفقد حبیبه يتکرب

(دیوان بوصیری، ص ۴۳)

او ان يحن اليه جذع يابس
شوقاً يشكوبته و ينوح

(همان، ص ۵۶)

بشرات ظهور پیامبر (ص)

همچنان که گذشت، یکی از محورهای اصلی "قصیده المخرج والمردود" بیان

خبر بعثت پیامبر(ص) است. این معنی در قرآن در سوره صف چنین آمده است:
و اذ قال عيسى بن مریم يا بنی اسرائیل انی رسول الله اليکم مصدقا لاما بین
بیدی من التوریة و مبشرأ برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات
قالوا هذا سحر مبین« (آیه ۷۶ سوره صف).

مفهوم فوق را بوصیری در بیت زیر به نظم آورده است:
تَخْبِرُكُمُ التُّورَةَ أَنْ قَدْ بَشَّرْتَ قَدْمًا بِالْحَمْدِ أَمْ بِاسْمِ عِيَّلٍ
(همان، ص ۱۴۵)

اخلاق پیامبر (ص)
یکی از ویژگی های پیامبر (ص) که بدون شک موجب گسترش و تثبیت دعوت
او شد، اخلاق پیامبر (ص) است. اخلاقی که خداوند از آن با تعبیر "انک لعلی خلق
عظیم" یاد کرده است. شعرای مدیحه سراکه در مدح حضرت رسول (ص) شعر
سروده اند، همه به این صفت شاخص پیامبر (ص) پرداخته اند؛ در این رابطه
بوصیری گفته است:

مَرْحُوقَةَ تَهْبِيَّةَ عَلَوْمَ زَلْدَى
من خلقه القرآن جل ثناوه عن ان یکون حدیثه مملولا
(همان، ص ۱۶۸)

یاری پیامبر (ص)
خداوند در قران فرموده است ، خداوند شما را در موضع بسیاری یاری فرمود،
لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة، آیه ۲۵ توبه
بوصیری این مضمون را بایت زیر منظوم نموده است:
و فی مواطن شتی کم اتاک بها نصر من الله مضمون و مکفول
(همان، ص ۱۸۲)

اسلام دین کامل:
آخرین حج پیامبر(ص) برگزار می گردد و حجاج همه آماده بازگشت،

پیامبر(ص) باید آخرین مسئولیت را ادا کند اگر این امر انجام نگردد بیست و سه سال دعوتش ناقص می‌ماند، لحظات سنگینی می‌کند و غدیر نزدیک می‌گردد و دستان علی(ع) در دست پیامبر به عنوان مولا معرفی می‌گردد.

و آنگاه آیه «اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا» (آیه ۳ مائده)، نازل می‌شود و اسلام دین مرضی خداوند اعلام می‌گردد:

بوصیری با مدح پیامبر (ص) به این آیه اشاره می‌کند.

احمد الهادی الذى امته رضى الله لها الاسلام دينا

(همان، ص ۲۱۰)

خاتم النبیین (ص):

بوصیری تعیین خاتمیت نبوت را به زمانی ارجاع می‌دهد که هنوز گل آدم سرشته نشده است:

ختم الله النبیین بته کامپوتور علوم قبل ان وی جبل من آدم طینا

(همان، ص ۲۱۱)

حرکت شجر و نطق حجر:

سعت الشجر نطق الحجر شق القمر باشاره

توسل به پیامبر (ص):

او در همه اشعارش به پیامبر (ص) متول می‌شود و امیدوار است که مشکلاتش مرتفع شود:

قد جئُ استسقى مكارمك الشى يحييا بها القلب الموات و يخصب
يا من يرجحى فى القيامة حيث لا ام ترجحى للنجاة ولا اب
لاتقنطى يا نفس ان توسلى بالمضطوى المختار ليس يخيب

(دیوان ، ص ۴۴)

نتیجه:

- ۱- بوصیری به پلورالیسم فرق مذهبی (در محدوده اسلام) معتقد است.
- ۲- شاعری است که برای اثبات ادعای خود از بنیان فکری و استدلال‌های استنادی بهره‌گرفته است. و شعر او فقط به عاطفه و خیال محدود نیست.
- ۳- بوصیری با وجود شافعی بودن و مدح خلفاء راشدین در مدح اهل بیت شاعری به تمامی شیعی است.
- ۴- بوصیری شاعر نبوی است و اخلاص او نسبت به پیامبر (ص) در روح مدیحه‌هایش مشهود است.
- ۵- گرچه از نظر قوت خیال و عاطفه در بین شعرای شش قرن دوره سقوط مرتبه اول را به خود اختصاص نداده است، ولی برده‌اش او را در صدر شعرای مشهور این دوره قرار داده است.

منابع:

- ۱- قرآن
- ۲- تاریخ الادب العربي، کارل بروکلمان، دارالمعارف مصر، بی‌تا.
- ۳- تفسیر مجمع البيان طبرسی، تصحیح شیخ ابوالحسن شعرانی، چاپ اسلامیه، ۱۳۷۳، تهران.
- ۴- دیوان بوصیری، محمد سعید کیلانی، شرکة مكتبة مصطفى البالى الحلبي، بمصر تاریخ ۱۹۵۵هـ ۱۳۷۴م.
- ۵- کشف الغمة فی معرفة الائمه، علی بن عیسیٰ اربیلی ، تبریز، چاپ اسلامیه، ۱۳۸۱ هـ.
- ۶- المجانی الحدیث، فؤاد افرا� البستانی، دارالمشرق بیروت، ج ۲، ص ۱۵، ۱۹۸۶م.
- ۷- نهج البلاغه، اسدالله مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.